

گاهنامه فرهنگی اجتماعی

آفتاب

شماره بیست و ششم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گاهنامه فرهنگی اجتماع آفتاب

سال هفتم، شماره بیست و ششم، فروردین ۱۴۰۲
صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی

مدیر مسئول : محدثه جان نثاری

سر دبیر : معصومه مطهری نژاد

ویراستاری : معصومه مطهری نژاد

صفحه آرا : واحد رسانه انجمن

هیئت تحریریه :

معصومه مطهری نژاد، زهرا غفور زاده، امیر کاظمی،

مریم پورمنصور، محدثه جان نثاری



انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شهید بهشتی
(عضو دفتر تکمیر و حدت)



فهرست

- ۱ ----- سخن سردبیر
معصومه مطهری نژاد
- ۲ ----- مدارس، هدف التهاب آفرینی
به قلم امیر کاظمی
- ۳ ----- محجبه‌های بی حجاب
به قلم مهمان
- ۵ ----- تبذیر، بلای جامعه ایرانی - اسلامی
به قلم زهرا غفورزاده
- ۷ ----- زن موفق اینستاگرامی: چیست، چرا، چگونه؟
به قلم مریم پور منصور
- ۸ ----- ماجرای نرگس ...
به قلم معصومه مطهری نژاد
- ۱۰ ----- زن روز
مصاحبه با سرکار خانم دکتر فاطمه فیاض بخش

سخن سردبیر

معصومه مطهری نژاد، کارشناسی زبان و ادبیات عرب



با توجه به جو غالب این روزها، آن کسی برنده است که رسانه قوی تری داشته باشد، گاهی میلیاردها میلیارد خرج می شود فقط برای اینکه ارزشی را بی ارزش و بی ارزشی را با ارزش جلوه دهند، تا دروغ را جای راست غالب کنند، تا ذهنیت ما را از آنچه که بوده به آنچه که می خواهند تغییر دهند؛ یک کلام بگویم: رسانه ها، امروزه حکم مرداب را دارند! چنان آرام و بی صدا غرق می کنند که خودت هم نمی فهمی کی چنین بلایی به سرت آمد.

گاهی خوب است برگردیم بر اصل و فطرت خویش، به غایت و هدف نهایی خود بیندیشیم. آنچه در دین مبین اسلام درباره بانوان گفته می شود، سراسر کرامت و عزت و ارج و قرب گذاشتن بر آنان است، همانطور که در قرآن آمده زنان، باعث آرامش زندگی هستند و حال می خواهند آرامش زندگی را بگیرند به بهانه آزادی، آن هم نه آزادی، در واقع بی بند و باری! اگر در دریای معرفت الهی غرق شویم می بینیم که خدا می خواهد زن، با عزت و مورد احترام باشد، به جای نگاه جنسیتی، به انسان بودن و توانایی های او توجه شود، به جای عرضه خود برای جلب توجه دیگران، به عرضه استعدادها و تلاش برای شکوفایی توانایی های خود در فضایی امن پردازد. اسلام زن را عفیف و توانمند می خواهد تا مبادا از او به دلیل یک سری از ویژگی های فطری اش سوء استفاده کنند.

«مَنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»

«و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید.»

در این دنیای کوچک ما، آن چیزی که در این دوره و زمانه توجه بسیاری را به خود جلب کرده، مسائل مربوط به حوزه زنان و خانواده است؛ این دو واژه همیشه کنار هم بوده اند. چراکه زنان جزء جدایی ناپذیر از خانواده اند و خانواده هم بدون زن اصلاً خانواده نمی شود، ستون خانواده ها بانوان هستند. حقیقت آن است که در گذشته نیز مسائل مربوط به امور زنان وجود داشته اما اوضاع کنونی اینگونه رقم زده است که این مسئله مانند آتشی از زیر خاکستر شعله بکشد و بیش تر از پیش خودنمایی کند.

حقیقتاً در این التهابات عجیب و غریب، از انقلاب های زنانه گرفته تا جریان های مختلف فمینیسم و گاه شعارهای کلیشه ای و باز به میان آوردن بحث برابری زن و مرد، گاهی انسان نیاز دارد کمی مکث کند و ببیند دقیقاً از بیان این مسائل چه می خواهد؟ مطرح کردنش درست است اما بهر رسیدن به کدام هدف؟





مدارس، هدف التهاب آفرینی

امیرکاظمی، دانشجوی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام

آنچه اهمیت مسئله مسمومیت را بیش تر می کرد این بود که بلافاصله بعد از التهابات موجود در کشور رخ داد؛ یعنی درست در زمانی که اندکاندک آرامش به جامعه بازمی گشت، جریانات معاند مسئله‌ی دیگری را عَلم کردند تا جو سیاسی - اجتماعی کشور را داغ کرده و ناملایمتهای روزهای قبل را دوباره زنده کنند. آن‌ها تلاش کردند از این موضوع نیز دستاویزی بسازند تا هر وقت خوراک خبری کم آوردند، با تمسک به آن، پروژه هجمه علیه نظام را پیش ببرند. همان کسانی که در موج سواری رسانه‌ای و شانتاژ خبری چیره دست هستند، برای برهم زدن آرامش مردم صبور ایران از بیان هیچ دروغی دریغ نکردند.

برای رد ادعای رسانه‌های معاند در انتساب این حوادث به نظام اسلامی، کافی است نگاهی به وضعیت تحصیل بانوان در جمهوری اسلامی و مقایسه آن با حکومت پهلوی بیندازیم تا پوچ بودن ادعای پرطمطراق ضدانقلاب مبنی بر مخالفت جمهوری اسلامی با تحصیل بانوان هویدا شود. رجوع به گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که آمار ۴۲ درصدی دختران باسواد در حکومت پهلوی، پس از انقلاب افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته و اکنون به ۵۹ درصد رسیده است. همچنین پیش از انقلاب تنها ۳ درصد دختران پس از پایان مقطع دیپلم وارد دانشگاه می‌شدند در حالی که این عدد امروزه به ۵۶ درصد افزایش پیدا کرده است و البته اینکه تعداد دانشجویان دختر از دانشجویان پسر، پیشی گرفته است.

اوایل آذر ۱۴۰۱ بود که خبرهایی مبنی بر وقوع مسمومیت دانش‌آموزان مدرسه‌ای در شهر قم منتشر شد. آن زمان مسئله خیلی جدی نبود؛ چرا که هنوز وسعت جغرافیایی پیدا نکرده بود؛ اما رفته رفته این مسئله گسترش پیدا کرده و فراگیر شد. اخبار مسمومیت در مدارس کشور، یکی پس از دیگری منتشر شده و تصاویر و کلیپ‌های مربوط به این حوادث، آثار روانی بدی را در جامعه ایجاد می‌کرد. نتیجه این بود که نگرانی‌ها به اوج خودش رسیده و ترس و دلهره در جامعه آموزشی کشور حاکم شده بود. تصور کنید دختری را که با اشتیاق یاد گرفتن به مدرسه می‌رفت و هرگز فکر نمی‌کرد که طعمه‌ای شود برای دامن زدن بر آتش خشم مردم و یا پدر و مادری که جگرگوشه‌هایشان را با هزاران امید و آرزو، راهی مدرسه می‌کردند و گمان نمی‌کردند که فرزندانشان در تور خبیث‌ترین و پلیدترین انسان‌های روی زمین گرفتار شوند. دشمنان ملت، این بار دست بر روی موضوع حساسی گذاشتند که عمیقاً مردم را متأثر می‌کند.

مطابق آنچه انتظار می‌رفت، نوک پیکان رسانه‌های معاند و ضدانقلاب، نظام جمهوری اسلامی را نشانه گرفت. در این رسانه‌ها، حاکمیت ایران مسئول و مسبب این حوادث معرفی شده و هر گزاره‌ای در مخالفت با این مدعا، سرکوب می‌شد. البته می‌دانیم این اولین باری نیست که حادثه‌ای تلخ در کشور ما رخ می‌دهد و ضدانقلاب همچون کفتاری برای ارتزاق از آن، در شیپور جنگ رسانه‌ای می‌دمد. همین اواخر و در ماجرای حمله تروریستی به حرم مطهر شاهچراغ که با طراحی و اجرای تروریست‌های داعشی صورت پذیرفت و جمعی از هم‌وطنانمان را به خاک و خون کشید نیز شاهد دروغ‌پراکنی بدخواهان ملت و انتساب این حمله به نظام بوده‌ایم. دروغی شاخ‌دار که سخت است بتوانیم گوینده آن را دارای اندک عقلی قلمداد کنیم.

محجبه‌های بی‌حجاب

نقدی بر وضعیت بلاگرهای حجاب

مهمان



شاید بعضاً در میان اطرافیانمان افرادی را ببینیم که به اصطلاح عامیانه، مذهبی و متدین هستند و دغدغه تبلیغ اسلام دارند. این بحث در بین دختران و بانوان، معمولاً با تبلیغ حجاب و پوشش اسلامی همراه شده؛ اما متأسفانه گاهی به دلایلی در این مسیر، هدف اصلی به حاشیه می‌رود و رفته رفته حتی گم می‌شود و چیزی بر عکس و متناقض از هدف اصلی، جایگزین آن می‌شود!

در ابتدا بهتر است که بفهمیم منظور از حجاب چیست؟ حجاب، در لغت به معنای مانع و پرده و پوشش آمده است و به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. بعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است و این دو بعد باید در کنار یکدیگر باشند تا حجاب اسلامی محقق شود. گاهی، ممکن است یک بعد باشد ولی دیگری نباشد که در این صورت، نمی‌توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است. اگر دقت کنید، کلمه حجاب همیشه همراه با عفاف می‌آید! حال منظور از عفاف چیست؟ اگر بخواهیم شفاف بگوییم، عفاف دقیقاً به بعد سلبی حجاب بر می‌گردد، همان طور که در معنای لغوی عفاف آمده است: «باز ایستادن از حرام و پارسائی نمودن، خودداری و امتناع از آنچه جایز و نیکو نباشد، خواه در گفتار باشد خواه در کردار»؛ فلذا حجاب و عفاف دو عضو جدایی ناپذیر هستند.

به این مبحث، افزایش اثرگذاری بانوان در جامعه را نیز باید اضافه کرد. از حضور دختران و بانوان نخبه در تیم‌های المپیادی و یا در کسوت استادی دانشگاه‌های کشور گرفته تا حضور همیشگی آنان در دیدار با رهبر انقلاب و ادای سخنرانی و بیان مطالباتشان در حضور ایشان، از جمله مواردی هستند که در حکومت پهلوی به ندرت رخ می‌داد و یا هرگز صورت نمی‌پذیرفت. آنچه قطعیت دارد این است که جمهوری اسلامی در مهیا کردن زمینه علم‌آموزی دختران و تحقق رشد فکری آنان از هیچ تلاشی دریغ نکرده؛ موضوعی که در کلام رهبران آن نیز بارها مورد اشاره قرار گرفته است و نظام سیاسی ما، خود را به این امر مفتخر می‌داند. حال چطور ممکن است که حکومتی علیه یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای خود توطئه کند. تنها شانتاژ و سیاه‌نمایی رسانه‌های معاند است که می‌تواند چنین گزاره‌ای را صحیح دانسته و آن را با ابزار قدرتمند رسانه‌ای خود ترویج کند.

در مسئله مسمومیت‌ها نیز، همچون هر حادثه دیگری درس‌ها و عبرت‌هایی برای مدیران و مسئولان کشور برجای مانده است که بیان آن خالی از لطف نیست. مثلاً اینکه بهتر بود نحوه اطلاع‌رسانی توسط مقامات ذی‌ربط در دولت، به خصوص وزارت آموزش و پرورش و همچنین رسانه ملی به نحوی صورت می‌پذیرفت که امکان موج سواری رسانه‌های ضدانقلاب از آنان سلب و یا این که تأثیرشان به حداقل ممکن کاهش می‌یافت. همچنین اهمیت بیان روایت اول، روایت درست، تبیین موضوع و پیگیری مسئله تا روشن شدن تمام جوانب آن، کاملاً احساس شد و متأسفانه این همان امری است که ما از گذشته در آن ضعف‌های قابل توجهی داشته‌ایم.

در آینده، پروژه مسمومیت دانش‌آموزان توسط جریان معاند، شاید تداوم پیدا کند و یا در بستر دیگری تکرار شود؛ لذا با توجه به وضعیتی که در آن به سر می‌بریم، لازم است تا با دقت نظر در تحرکات رسانه‌ای و میدانی دشمن، آمادگی لازم برای مقابله با آنان را داشته باشیم.

به اذعان نزدیکان بلاگرهای حجاب و همچنین افرادی که خود، تجربه‌ای مشابه حجاب استایل‌ها در فضای اینستاگرام داشتند، گاهی هدف از ورود به اینستاگرام، چیز دیگری بوده اما رفته رفته آن‌ها وارد بازی‌ای شدند که غیر قابل کنترل بوده و کار را به جایی رسانده که هیچ وقت فکرش را نمی‌کردند! برای مثال دختری که به قصد سرگرمی و داشتن یک پیج معمولی وارد اینستاگرام می‌شود و در ابتدا فقط اقدام به گذاشتن یک عکس با حجاب، آن هم با پوشیه و یک تَه میکاپ می‌کند اما پس از دریافت موج توییت‌هایی که شامل تعریف و تمجید هستند، تحریک به گذاشتن عکسی نیم‌چهره می‌شود و هر بار وقتی با استقبال بیش‌تر و لایک‌های بیش‌تری روبرو می‌شود برای اثبات خود و فیک نبودن عکس‌ها، عکس‌های بیش‌تر با زوایای جذاب‌تر را پست می‌کند، در نهایت در این دریای دروغین محبوبیت غرق می‌شود و هنگامی که به خود می‌آید تازه متوجه می‌شود که چقدر با اصل خود فاصله گرفته است؛ آن هم برای دختری که در دنیای واقعی یک فرد کاملاً مذهبی، حافظ قرآن، با پوشش و حجاب کامل و بدون آرایش بوده است.

یا حکایتی که یکی از دوستان چند تن از بلاگرهای حجاب نقل می‌کند، ظاهر این افراد در فضای مجازی با باطن آن‌ها در فضای واقعی کاملاً متفاوت است و بعضاً فقط برای اینکه پیج یا صفحه آن‌ها با این سبک و استایل بالا آمده و موفق به کسب دنبال‌کننده‌های زیادی شده، مجبور هستند در بستر اینستاگرام خود را مقید به حجاب و مذهبی نشان دهند، حال اینکه در فضای واقعی نه تنها اعتقادی به حجاب ندارند بلکه رفتارهای نامتعارف و به دور از عرف بسیاری دارند.

بعضیشان هم که به این رسیده‌اند، نان در حجاب است و از هیچ طریقی برای جذب مخاطبان بیش‌تر و سود بیش‌تر دریغ نمی‌کنند! برای مثال، حجاب استایلی که در ماه رمضان اقدام به انداختن سفره افطار و دعوت کردن از هم‌کیشان خود می‌کند و هیچ قصد و نیتی جز تبلیغ و عوام‌فریبی و جذب بیش‌تر فالوور از این کار ندارد!

حالا با توجه به توضیحات اولیه می‌توان گفت بعضی اوقات با شرایطی روبرو هستیم که به ظاهر، پوشش اسلامی وجود دارد اما بویی از عفاف به مشام نمی‌رسد! این حالت را اگر کمی رنگ و لعاب دهیم، تَبَرُّج رخ می‌دهد. تبرج یعنی خودنمایی و به رخ کشیدن زیبایی‌ها در انظار عمومی. شاید برای شما سوال پیش بیاید که چطور می‌شود کسی که پوشش اسلامی را رعایت کرده و به اصطلاح آن را با حجاب می‌نامیم، دچار تبرج شود؟! پاسخ به این سوال، کار زیاد سختی نیست. فقط کفایت سری به اینستاگرام بزنید و با بلاگرهای حجاب یا به قولی حجاب استایل‌ها بیش‌تر آشنا شوید.

اکنون که حرف از حجاب استایل شد، بهتر است اول بفهمیم اصلاً استایل چیست؟ شاید در نگاه اول، استایل نوع لباس و پوشش و به طور کلی فقط ظواهر افراد را در بر بگیرد، اما باید به این نکته اشاره کنم که استایل چیزی فراتر از ظاهر افراد است! استایل یا سبک، دقیقاً روشی برای بیان و ابراز هرآنچه که در درون ماست به کار می‌رود. در واقع افکار، احساسات، علایق و ارزش‌های ما، سازنده‌ی استایل ما هستند چون هر چیزی که نمود بیرونی دارد، بازتاب دهنده یک امر درونی است. وقتی سخن از حجاب استایل می‌شود، یعنی اینکه فرد به ظاهر باید دارای حجاب اسلامی باشد و این ظاهر باید از یک اعتقاد درونی به این نوع پوشش و رفتار برآمده باشد اما رفتارهایی از بلاگرهای حجاب دیده می‌شود که هیچ‌سختی با حجاب و عفاف ندارد. آنچه از فلسفه حجاب می‌آید این است که پوششی ساده و بدون آرایش است اما قریب به اتفاق حجاب استایل‌ها، همگی از لباس‌های شیک و مَارک دار، چادرهای سنگ‌دوزی شده و گران‌قیمت، کیف و کفش‌های ست و لاکچری استفاده می‌کنند و این جدای از آرایش‌های غلیظ و رفتارهای دلبرانه آن‌ها در لوکیشن‌های جذاب و به قول معروف خیره‌کننده است که هیچ‌کدام از این رفتارها هیچ‌گونه مطابقتی با تعریفی که از حجاب در اسلام شده است ندارد.

تبذیر، بلای جامعه ایرانی - اسلامی

نگاهی به علل و عوامل تجمل‌گرایی و آثار مخرب آن در سطح جامعه و خانواده

زهرا غفورزاده، کارشناسی تاریخ

یکی از مهم‌ترین آفت‌های سبک زندگی که در شیوه‌های مصرف و اقتصاد جامعه تأثیر مستقیم دارد، تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی است، امری که رهبر انقلاب درباره‌ی آن می‌فرماید: «اگر یک جامعه‌ای بخواهد از لحاظ استحکام درونی اقتصاد خود به نقطه‌ای برسد که آسیب‌پذیر نباشد، یکی از کارهای واجبی که باید انجام بدهد، این است که اسراف و زیاده‌روی و زیاد مصرف کردن و مانند این‌ها را کنار بگذارد.»

یکی از مظاهر حقیقی انسان که می‌توان به وسیله آن به ارزیابی کمال و شرف واقعی وی پرداخت، شناخت افکار او است. بر این اساس، همه رفتارها و گفتارها از سطح شناخت و میزان افکار فرد نشأت می‌گیرند، به عبارتی دیگر هر اندازه قدرت تفکر و سطح شناخت انسان بیشتر باشد به همان اندازه رفتارهای او بالغانه تر است. ریشه تجمل‌گرایی در سطح افکار و نوع بینش آدمی است، چنانچه افکار و نگرش انسان به اندازه کافی رشد کرده باشد، محتویات آن نیز معقول و اصیل خواهد بود و دیگر جایی برای تجمل‌گرایی و مانند آن نخواهد ماند. برخی ضعف‌های روانی در انسان می‌تواند منجر به رفتارهای غیر منطقی، غیر اصولی و افراطی همچون تجمل‌گرایی شود. در حقیقت تجمل‌گرایی، پاسخی افراطی و نادرست به ضعف‌های روانی، معنوی و اجتماعی انسان است.

بدون شک انسانی که در همه شاخصه‌های سلامت به ویژه سلامت روانی، سلامت معنوی و سلامت اجتماعی از وضعیت متعادل و حتی متعالی برخوردار باشد، در سبک زندگی اش جایی برای انتخاب و حتی پرداختن به تجمل‌گرایی باقی نمی‌ماند.

ضعف اعتماد به نفس، اعتماد به نفس کاذب همراه با تقویت ظاهر زندگی در قالب تجمل‌گرایی، هویت رشد نیافته شخصی و اجتماعی، ارتباطات رشد نیافته اجتماعی، عدم بلوغ فکری و شناختی، عدم خود رضایت‌مندی و ضعف‌های معنوی و غیره، مشکلاتی در سلامت انسان هستند که می‌توانند منجر به رفتارهای نابالغانه‌ای همچون تجمل‌گرایی شوند.



زیرا آگاه است، اگر هر کدام از این مهمان‌های حجاب استایلش، یک استوری تشکر ساده از او در پیجشان بگذارند، تبلیغ بسیار خوبی برای او و جذب فالوور های بیش‌تر می‌شود.

خلاصه آنکه این داستان به اسم تبلیغ حجاب و به کام سوء استفاده‌گران از حجاب برای کسب درآمد بیش‌تر است. از اثرات سوء آن هم که هر چه بگوییم کم گفته ایم. از جذب نسل جدید و نقش بستن این تعریف نادرستِ نابجا در ذهن او و در نتیجه الگوگیری از این سبک از پوشش گرفته تا قبح شکنی از رفتارهای نامتعارفی مثل ست کردن آرایش با رنگ روسری و عادی سازی برخی پوشش‌های خارج از عرف به اسم عفاف و حجاب، و شاهکار ماجرا آنجاست که عده‌ای از حجاب استایل‌ها بعد مدتی اقدام به کشف حجاب و توهین به اسلام می‌کنند!

جدای از افرادی که از روی جهالت و ندانم کاری و به قصد کسب شهرت با این جریان همراه شده‌اند، عده‌ای هم هستند به صورت برنامه‌ریزی شده و با هدف به ابتذال کشاندن مسئله حجاب و بانوی محجبه ایرانی وارد میدان شده‌اند؛ پس باید توجه داشت که هیچ‌گاه از هدف و اصل حجاب و عفاف که باعث آرامش و آسایش زن در سایه سادگی و پاکدامنی است دور نشویم.

منبع: مستند مقصوره

بنابراین می‌کوشد تا خود را در دنیا ارضا و خشنود کند و سعادت را در زندگی دنیوی و کمالات آن بجوید. این گونه است که تجمل‌گرایی برای او اصالت می‌یابد تا این چنین سعادت را معنا کند. انسانی که دنیا برای او اصالت می‌یابد، فخر و بزرگی را نیز در امور مادی، از جمله تجملات دنیوی می‌داند. این افراد، با مال و ثروت به دیگران مباحثات می‌کنند.

اینان دنیا را مایه مباحثات می‌شمارند و می‌کوشند تا به هر شکلی شده، بزرگی خود را در مال دنیا به نمایش بگذارند و خود را این گونه بزرگ بنمایانند. از این رو به گردآوری مال می‌پردازند و در نمایش ثروت خویش افراط می‌کنند؛ چنان که قارون با راه اندازی کاروان‌هایی از ثروت خود، در شهرها و خیابان‌ها و نمایش آن می‌کوشید تا چشم مردمان تنگ نظر دنیا دوست را پر کند و بزرگی خود را به نمایش گذارد و بر آنان تفاخر نماید.

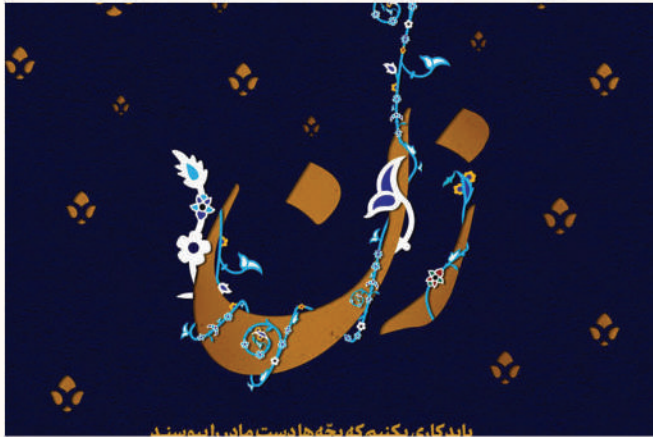
تجمل‌گرایی باعث ایجاد آسیب‌های متعدد شخصی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی می‌شود. در نهاد خانواده نوع نقش‌ها و انتظاراتی که افراد یک خانواده نسبت به یکدیگر دارند و طرز رفتار بر اساس آن‌ها، تعیین کننده سلامت خانواده و روابط است. از آن جایی که تجمل‌گرایی زمان زیادی را از فرد می‌گیرد و تمام اوقات اصلی و اوقات فراغت وی را پر می‌کند، به اندازه کافی تعامل سازنده برقرار نمی‌کند و رفته رفته اطرافیان را به لحاظ روانی دچار خستگی و دل‌زدگی می‌کند.

یکی از اثرات نامطلوب دیگر این ویژگی در نظام خانواده، اثرات منفی اقتصادی است، فرد یا افرادی از خانواده که به نوعی درگیر این ویژگی نامطلوب می‌شوند، تمرکز اصلی مخارج خانواده را از محور واقعی خارج کرده و خانواده را دچار مشکلات اقتصادی می‌کنند که البته تاثیر آن در حوزه روابط خانوادگی هم منعکس خواهد شد، به این صورت که غفلت عاطفی از سایر اعضای خانواده، کاستی در تعاملات رفتاری و تنش‌های ارتباطی به وجود خواهد آمد.



از نظر قرآن، ریشه تجمل‌گرایی منفی در اموری، چون حسادت، احساس حقارت، تکبر، تفاخر و مانند آن نهفته است. در حقیقت، ریشه این ناهنجاری رفتاری را می‌بایست در بیماری‌های روانی افراد جستجو کرد؛ زیرا مشکلات روانی مانند احساس حقارت، خودبزرگ بینی، خودپسندی، تکبر، فخرفروشی و تفاخر، مردم را به سمت و سوی تجمل‌گرایی منفی می‌کشاند و زمینه‌ساز اسراف و تبذیر و ریخت و پاش می‌شود.

از نظر علوم مختلف انسانی، از جمله روانشناسی اجتماعی، این معنا به اثبات رسیده است که انسان‌ها در رفتارها، تابع بینش‌ها و نگرش‌های خود هستند. خداوند نیز همین معنا را در آیات قرآنی بارها بیان کرده است. در برخی از آیات قرآنی برای تحلیل و تبیین گرایش به تجملات منفی و زیاده روی در آن، به بینش‌ها و نگرش‌های گروهی از انسان‌ها توجه می‌دهد و ما را با این قانون آشنا می‌سازد که چگونه رفتارهای انسانی متأثر از بینش‌ها و نگرش‌های درست و نادرست آنان است؛ از جمله در «آیه ۹۲ سوره نجم» درباره علت گرایش انسان به زندگی دنیا و فراموشی زندگی اخروی و تلاش برای آن، بیان می‌کند که هرگاه انسانی از نظر بینشی و نگرشی به خطا و اشتباه رفته و به دنیا اصالت داده یا خدا را نشناسد یا خدا را فراموش کرده باشد و برای دنیا، هدف و حکمتی قائل نباشد، دنیا برای او اصالت می‌یابد و زندگی دنیوی، جایگزین همه چیز او می‌شود.



اگر این تعریف را مد نظر داشته باشیم و امروزه نیم نگاهی به مرورگر اینستاگرام داشته باشیم به سادگی در خواهیم یافت نوع غیر ملموس و تازه ای از کسب و کار در این پلتفرم در جریان است. تعریف تازه ای که مستقیماً با زن و مفهوم موفقیت وی در ارتباط است.

آنچه غالباً به عنوان زن موفق در این پلتفرم به نمایش در می آید، بازنمایی پرداخته شده و ویرایش شده با عناصر قدرت است. ثروتمند شدن، در متن، زیر متن و فرامتن این قبیل محتواها دیده می شود. تأکیدی که روی ثروت انجام می شود عمدتاً از نوع سفیدنمایی است. ثروت به عنوان دلیل اعتماد به نفس، ضرورت زندگی هر زن و اولویت اصلی فعالیت های شغلی، در نظر گرفته می شود. علی رغم آنکه اشتباه نیستند اما در عین حال با اغراق کم رنگی به کار می روند که نتیجه آن صحیح نیست. معمولاً راهی که برای رسیدن به آن توصیه می شود، زمینه ی فعالیت خود آن فرد است. از ارز دیجیتال، تا ادمنی، یا شمع سازی! به جای این که یاد بگیرید انواع ماهی ها را بشناسید به شما اینطور القا می شود که تنها ماهی خوراکی موجود در طبیعت قزل آلاست، که آن زن موفق، صید آن ها را در قبال هزینه ای اندک به شما می آموزد!

در این بین اهمیت تصاویر و مواردی نظیر نور، رنگ، عکس، نیازی به یادآوری ندارد. محققان بارها و بارها تأثیرات روانی این موارد در اقلع ذهنی مخاطب را ثابت کرده اند. از سوی دیگر، این موارد در افزایش بازدید یا ویوی پست ها عامل موثری به شمار می روند.

یکی دیگر از اثرات مخرب تجمل گرایی تاخیر ازدواج ها در جامعه است. جوانی که به دلیل چشم و همچشمی به دنبال تهیه بهترین و لوکس ترین کالا ها برای شروع زندگیست و نگاهی کاملاً مادی و تجمل گرایانه به مقوله مهم ازدواج دارد. و یا خانواده هایی که به دلیل رودربایستی با اقوام خویش ازدواج فرزندانشان را به تاخیر می اندازند، همه این ها باعث ترویج فساد در جامعه می شود. این معضل تبدیل به یک بیماری واگیردار درون جامعه ما شده است. و بسیاری از افراد را درگیر خود کرده است.

متأسفانه یک عده ای مسابقه تجمل گرایی و اشرافی گری در جامعه راه انداخته اند، که باید جلو آن ها ایستاد و خود را از آن جدا کرد. آحاد جامعه باید تلاش کنند از این ورطه هلاکت خود را دور کنند و معقولانه و بر اساس توصیه های دین مبارک اسلام قناعت را پیشرو زندگی خود قرار دهند.

زن موفق اینستاگرامی: چیست، چرا، چگونه؟

بررسی شاخصه های الگوی زن موفق در اینستاگرام

مریم پورمنصور، کارشناسی ادبیات فارسی

اینستاگرام جامعه کاربری جوانی دارد. به این معنا که عمده کاربران آن بازه سنی منفی ۵۳ سال را تشکیل می دهند. این پلتفرم در سال ۲۰۱۰، چهارمین نرم افزار محبوب موبایلی به شمار می آمد و حالا طبق آخرین اخبار، در سال ۲۰۲۲ کاربران فعال آن از مرز یک میلیارد گذشته اند. محبوبیت این بستر هم رسانی تصویری، این امکان را به کاربر می دهد تا در موارد بسیاری از آن بهره بگیرد. پیگیری و انتشار اخبار، پیگیری زندگی سلبریتی های محبوب، جزئیات کوچک و تصویری روزمره و البته کسب و کارهایی که از این سکوی بلند برای دیده شدن هر چه بهتر بهره می برند. در این میان تصور عام از کسب و کارهای اینستاگرامی، شغل های واقعی و مشخصی نظیر فروشگاه هایی است که در اینستاگرام پیج دارند. در حالی که در تعاریف اقتصادی، شغل به دو صورت ارائه کالا و ارائه خدمات وجود دارد.

ماجرای نرگس ...

از وضعیت تحصیل دانش آموزان و دختران، دردوران پهلوی چه خبر؟

معصومه مطهری نژاد، کارشناسی زبان و ادبیات عرب

از بعضی جنایات رژیم پهلوی در چند روز گذشته به اطلاع شما می‌رسد:

در روز سه شنبه، ۲۵ مهر ماه، نیروهای ساواک به مسجد کرمان حمله کردند و پس از ضرب و شتم مردم و روحانیان، گاز اشک آور انداختند، در های شبستان را شکستند و فرش‌ها و کتاب‌های قرآن را به آتش کشیدند.

در روز چهارشنبه، ۲۶ مهر ماه، مأموران ساواک در تهران به مدرسه ای دخترانه هجوم بردند و دانش آموزان دختر را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

در روز شنبه، یکم آبان، مأموران نظامی شاه با دانش‌آموزان همدانی درگیر شدند و ده ساعت تمام به روی آن‌ها تیراندازی کردند. در این درگیری، عده‌ی زیادی از دانش‌آموزان به شهادت رسیدند.

در روز ...»

ماجرای آنجایی شروع شد که در نخستین روز از سال تحصیلی ۱۳۵۸-۱۳۵۷، در تمامی مدارس دخترانه، اقدام به اخراج تمامی دانش‌آموزان دختر محجبه و باحجاب کردند. نرگس هم یکی از همین دختران بود.

نرگس دختری زرنگ و باهوش است که در خانواده‌ای فقیر زندگی می‌کند. او همیشه شاگرد اول بوده و امسال وارد دبیرستان می‌شود اما با حادثه‌ای که همان روز اول رخ داد، از درس خواندن بازماند. برادر کوچک‌تر نرگس که کلاس اول راهنمایی است، این وضعیت را تاب نمی‌آورد و هرطور شده می‌خواهد کاری برای خواهرش بکند تا نرگس را دوباره به مدرسه و درس باز گرداند. به قول دایی جان، نرگس باید دکتر شود، پس نباید اجازه بدهیم که خانه نشین بماند.

روزی اسماعیل با یک مژدگانی برای نرگس به خانه می‌آید:

نکته بعدی که اهمیت خاص دارد الگوریتم‌های فعالیت اینستاگرام است. این الگوریتم‌ها و شناسایی کردن آن‌ها، عموماً نقش زیادی در توفیق این صفحات دارد. تم جدیدی از این پست‌های تبلیغاتی که این روزها به سرعت در حال افزایش و بازدید است از نوعی «بی تفاوتی» بهره می‌برد. به این صورت که در یک ویدیو، ابتدا یک ضرر مالی بزرگ مطرح می‌شود. برای مثال از دست دادن سود یک معامله، گم شدن یک گردنبند طلا، یا خراب شدن تلفن همراه مدل بالا و گران قیمت؛ اینجا واکنش آن زن موفق، با بی تفاوتی همراه است: «شکالی نداره، یکی دیگه می‌گیرم»؛ «مهم نیست، آگه پیدا نشد بهترش رو می‌خرم»؛ «حتی اگر ماشینم هم دزد می‌برد ایرادی نداشت، با کار کردن دوباره می‌خریدمش». از این خونسردی که باعث تعجب فرد دوم حاضر در ویدیوست (که عموماً دیده نمی‌شود و مانند یک مصاحبه فقط صدای او را می‌شنویم)، به پولساز بودن و متعاقباً آن اقناع ذهنی مخاطب می‌رسیم. نتیجه‌ای که مخاطب از این قبیل ویدیو‌ها می‌گیرد، تاثیر پول و ثروت و اهمیت استقلال مالی است. البته در شرایط اقتصادی کنونی این امر ثابت شده است. اما نکته اینجاست که چرا باید استقلال مالی بانوان تا این حد نقش پررنگی در محتواسازی اینستاگرام داشته باشد؟ و نه فقط صفحات تجاری، که صفحاتی با موضوعات انگیزشی، ساخت ویدیو ادیت یا حتی محتواهای طنز نیز از این امر بهره ببرند؟ نهایتاً به این مورد می‌رسیم که غالباً این بانوان مستقل و موفق، تطابق کمی با الگوهای اسلامی یا ایرانی را در تولید محتوا در نظر می‌گیرند. بخش کمی از این بانوان وقت و ایده‌های خود را صرف تطابق ایده‌ها با معیارهای ایرانی اسلامی می‌کنند. در بهترین حالت، ما تباین هنجارها و الگوهای شخصیتی را مشاهده می‌کنیم. اگر در این باب، تفکری سطحی صورت بگیرد، فرد به وضوح در خواهد یافت فاصله‌ی کارا کتر زن موفق اینستاگرامی با یک ایده تبلیغاتی و درآمدزا در سال‌های اخیر بسیار کم شده است. آنچه از منش اخلاقی و جهان‌ذهنی زن ایرانی مسلمان شناخته می‌شود به سرعت در حال کم‌رنگ شدن است. حال آنکه بانوان ایران همواره سرمشق شخصیت و وقاری ورای این امور بوده‌اند که در یک ایده تبلیغاتی در بستر یک پلتفرم تصویری بگنجد.



سپس با عصبانیت بر سرم فریاد می‌کشد: (این رو خودم هم می‌دونستم خوش خبر! اگر تو خونه می‌شد درس خوندم، این همه خرج معلم و مدرسه نمی‌کردن. تازه، من امسال تازه رفتم دبیرستان. خیلی از درسامون جدیده. اونایی که سر کلاس، زورکی می‌فهمن، چه برسه...)

نرگس حرفش را قطع می‌کند. بیچاره بغض کرده است. از خجالت نمی‌دانم چه کار کنم...»

با این اوصاف اسماعیل و دوستش مصطفی دنبال راهکار دیگری می‌گردند تا بتوانند مشکل درس خواندن خواهرانشان را حل کنند. روزی فکری به ذهنشان می‌رسد و تصمیم می‌گیرند که هر روز پس از مدرسه به سرکار بروند تا هزینه معلم خصوصی برای دخترها را در بیاورند که این خود، ماجراها دارد. در کنار آن، این مسئله را با یکی از معلم‌های مدرسه خود نیز مطرح می‌کنند، معلم می‌گوید که پاسخ را سر کلاس به آنها می‌گوید:

«...دوتا از بچه‌ها تقاضایی داشتن که جوابش برای شما هم مفیده. مدارس دخترانه، دانش‌آموزای با حجاب رو بیرون کردن. دو تا از همکلاسیای شما می‌خوان کاری کنن که خواهراشون، هم درس بخونن هم حجاب رو رعایت کنن. تصمیم گرفتن برای اونا معلم خصوصی بگیرن. از من خواستند که بعضی درساشون رو، که می‌تونم، تدریس کنم. من در جواب می‌گم که اگر در خدمت شما بودم، هر چی وقت خالی دارم، برای شما. به طور رایگان درس می‌دم؛ چرا که نیت شما خیره. اما آیا فکر می‌کنید با این کار، مشکل همه‌ی دخترای مسلمون حل میشه؟ اونایی که برادرایی مثل شما ندارن چی؟...»

معلم آن‌ها، آقای اولیای، راست می‌گفت. اما واقعا چاره چه بود؟ چگونه می‌شد مشکل تمام دختران را حل کرد؟ شاید اسماعیل و مصطفی در همان لحظه متوجه حرف‌های آقای اولیایی نشدند اما در اوضاع و احوال آن دوره و زمانه بالاخره فهمیدند چاره فقط در انقلاب است... آنچه که خواندید یک معرفی اجمالی و بخش‌هایی از کتاب نرگس به نویسندگی رحیم مخدومی از انتشارات سوره‌ی مهر بود. کتابی که شما را به خواندن روایت جدیدی از آن بحبوحه‌ی انقلاب دعوت می‌کند و از چالش‌های دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان در آن دوره و زمانه می‌گوید.



«-خیلی‌ها هستن که مثل تو اخراج شدن. -خب، این رو خودم هم می‌دونم. با این حرف نرگس، حالم گرفته می‌شود؛ اما به روی خودم نمی‌آورم. -یکیش آبجی دوست خودم (مصطفی). -جیغ نرگس در می‌آید. -خب بابا، حرفت رو بزن. بابا نگاه غضبناک دیگری می‌کند و خنده را بر لبانم می‌خشکاند. تصمیم می‌گیرم تا کتک نخورده‌ام، کمی عاقلانه تر صحبت کنم. -آره، داشتم می‌گفتم. دوست آبجیم...نه، ببخشید، آبجی دوستم، از معلمشون سؤال کرده، گفته: (خانوم، حالا که اینطور شده، تکلیف ما چیه؟) اون هم جواب داده: (شما می‌تونید تشریف ببرید خونه هاتون، همونجا درس بخونید، تا خرداد. خرداد که شد، تشریف بیارید، متفرقه امتحان بدید.) نرگس را می‌گویی، مثل یخ وا می‌رود. -همین؟! با تعجب می‌گویم: همین. بابا بدون اعتنا غذایش را می‌خورد. مادر مانده است هاج و واج؛ نمی‌داند باید بخندد یا ناراحت شود. نرگس کمی قیافه اش را درهم برهم می‌کند.

زن روز

مصاحبه با سرکار خانم دکتر فاطمه فیاض بخش

مصاحبه‌کننده: محدثه جان‌نثاری، کارشناسی مهندسی پزشکی



• یک بانوی خانه‌دار و یک مادر برای روز خود وظایف بسیاری برای انجام دادن دارد، به علاوه اگر فعالیت‌های شغلی و اجتماعی هم داشته باشد، این مسئولیت‌ها چند برابر خواهد شد، با توجه به مواردی که بیان شد، شما چطور رسیدگی به وظایف و نقش‌های خود را مدیریت می‌کنید؟

در کل برای پاسخ دادن به این سوال من با توجه به تجربیاتی که در این سال‌ها داشته‌ام به یک نتیجه‌ای رسیده‌ام. اگر کسی عزم داشته باشد و بخواهد که در زمینه‌ی فعالیت‌های غیر از خانه و شغل شریف و وظیفه‌ی شریف مادری یا همسری فعالیت دیگری انجام بدهد، اگر عزم جدی داشته باشد و اگر خودش بخواهد و انگیزه داشته باشد، می‌تواند این کار را انجام بدهد. خیلی از اوقات ما تصور می‌کنیم که نمی‌توانیم یا خیلی از اوقات دچار استرس می‌شویم و نگران می‌شویم که نکند نتوانیم. یا خیلی از اوقات برای کاری که خارج از نقش خانه‌داری و همسری هست، انگیزه یا برنامه به صورت ویژه نداریم، برای همین، تلاشی که باید و شاید را نداریم. این نکته اول است. نکته دوم این است که طبیعتاً همزمان نقش مادری، نقش همسری و نقش بیرون از خانه را داشتن خیلی سخت هست و این بنا به نوع مسئولیت و نقشی که هر فرد دارد، می‌تواند باز سخت‌تر و متفاوت‌تر باشد.

• لطفا خودتان را برای مخاطبان ما کامل معرفی کنید؟

من فاطمه فیاض هستم، متولد سال ۱۳۶۴. دکتری و فوق دکتری روانشناسی دارم از دانشگاه تهران. لیسانس و فوق لیسانس و دکتری و فوق دکتری، هر مقطع رو در دانشگاه تهران بودم، در گروه روانشناسی. لیسانس و فوق لیسانس را بالینی خواندم و دکتری را روانشناسی سلامت خواندم، ولی رساله‌ام در حوزه‌ی روانشناسی اسلامی و قرآن بنیان بوده و فوق دکتری هم همین‌طور. سال ۸۲ وارد دانشگاه شدم و زمان ما در کنکور برای دهه شصتی‌ها خیلی رقابت سختی بود و من رتبه‌ی ۷ کشوری را در آزمون سراسری و رتبه‌ی ۱ آزاد را در سطح کشوری بدست آوردم. انتخاب اولم روانشناسی دانشگاه تهران بود. ۳ فرزند دارم، فرزند سومم ۶ ماه است که به دنیا آمده و دختر اولم ۱۳ ساله و پسر ۹ ساله است. دو، سه سالگی است که در گروه روانشناسی پژوهش‌کننده زنان دانشگاه الزهرا مشغول هستم و هیئت علمی شدم. من ۱۹ سالگی ازدواج کردم و آن زمان همسرم هم دانشجوی داروسازی علوم پزشکی دانشگاه تهران بود و الان هر دو هیئت علمی هستیم. ایشان در دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده داروسازی هیئت علمی هستند و خیلی از اوقات هم با همدیگر می‌رفتیم دانشگاه، زمان عقد و بعد از عروسی در دوران دانشجویی به سر می‌بردیم و بعد از ازدواج با همدیگر دانشگاه می‌رفتیم و از دانشگاه بر می‌گشتیم.

بعضی از خانمها وقتی بچه‌ها در طول روز می‌خوابند، تازه می‌روند سراغ کار خانه. خب به نظر من اینکه ما چه زمانی کار خودمان را بکنیم و چه زمانی کار خانه را بکنیم، چه زمانی نظافت کنیم، کی از همسرمان کمک بخواهیم، چقدر روی کمک اطرافیان حساب کنیم، چه برنامه‌هایی برای بچه‌ها داشته باشیم، برای سرگرم شدنشان، برای نگاه‌داریشان، برای آموزششان، به نظر من همه‌ی این‌ها نیاز به برنامه‌ریزی و فکر دارد و هر چقدر که روی این قضیه برنامه‌ریزی بهتر باشد، به نظرم مدیریت این دو شغل یا چندتا نقش خیلی بهتر خواهد شد.

● خانواده در کسب موفقیت‌هایتان چقدر نقش آفرینی کرده‌اند؟

شاید بتوانم بگویم خیلی زیاد. یعنی اگر یک طیفی وجود داشته باشد از اصلا، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد؛ خیلی زیاد را انتخاب می‌کنم. به جهت اینکه من در زمانی که با همسرم آشنا شدم و قصد ازدواج داشتیم، مهم‌ترین مسئله‌ی من این بود که ایشان چقدر در زمینه علمی همراه من خواهد بود و اصلا قبول دارد که یک زن بتواند در شرایط علمی قدم بگذارد و فعالیت بکند. بنابراین با همدیگر صحبت کرده بودیم. همسر من هم خیلی کمک می‌کرد، هم فکرهای خیلی خوبی داشت. هم در زمینه‌های علمی خیلی کمک می‌کرد، هم در زمینه‌ی نگهداری بچه‌ها و شرایط مختلفی که بود. مثلا وقتی که دخترم ۳ سالش بود، برای یک کنفرانس علمی حضوری برای او راال پرزنتیشن برای استانبول ترکیه، مقاله‌ام پذیرفته شد، که ایشان چند روز کنار دخترم بود و از کارش مرخصی گرفت و من توانستم به استانبول برم و برنامه‌ی کنفرانسم را داشته باشم و برگردم. یا موارد متعددی که در زندگی‌ام بوده، برای آزمون جامع خواندن، برای کنکور ارشد یا دکتری خواندن، همه‌ی اینها نیاز داشته که من بتوانم یک زمان‌های خالی برای خودم داشته باشم. سعی می‌کردیم با هم برنامه‌ریزی کنیم و سعی می‌کردیم از وقت‌هایی که ایشان از سرکار منزل می‌آمدند، کمک بگیریم برای اینکه بتوانند در نگهداری بچه‌ها به من کمک بدهند و من بتوانم یک برنامه‌هایی را برای خودم داشته باشم. مادرم، خواهرم، آن‌ها هم خیلی کمک کردند و من توانستم از کمک‌هایشان بهره ببرم.

مثلا کسی ممکن است شاغل تمام وقت باشد، کسی ممکن است در شغل‌های سخت و سنگین باشد، کسی ممکن است مسیرش طولانی باشد. هر کسی یک شرایط خاصی دارد، مثلا فرزندش کوچکتر باشد و واقعا سخت است، من اصلا سختی آن را انکار نمی‌کنم؛ هم زمان چندین مسئولیت داشتن قطعاً سختی‌اش، فشار زیادی را روی مادر می‌گذارد. برای همین هر کسی باید متناسب با شرایط خودش و توانمندی‌های خودش و اقتضات شخصی خودش تصمیم بگیرد و نوع شغل را انتخاب کند. ممکن است که واقعا برای یک مادری به صلاح نباشد که همزمان چندین مسئولیت را به عهده بگیرد یا واقعا از توانش خارج باشد. این کاملا وابسته به فرد می‌تواند باشد. ممکن است یک نفر انگیزه هم داشته باشد، علاقه هم داشته باشد ولی به جهت این که توان لازم را برای هم زمان تصدی این نقش‌ها ندارد، نتواند آن کار را انجام بدهد. بنابراین خیلی به شخص وابسته و به فرد وابسته است. ولی در عین حال به نوع شغل خیلی مربوط می‌شود، به نوع کار خیلی مربوط می‌شود.

نکته بعدی این است که فکر می‌کنم مهمترین چیزی که باید برای خانم‌هایی که هم زمان چند نقش و شغل دارند در نظر گرفته بشود، برنامه‌ریزی خیلی خوب است. من خودم سعی کردم که این را در زندگی‌ام داشته باشم و بهم کمک کرده. برنامه‌ریزی خوب مثل این است که شما با خودتان برنامه داشته باشید که مثلا من تا وقتی بچه‌ام کوچک است، مثلا زیر ۲ سال، وقتم محدود است، شغلم پارت تایم می‌شود یا از مرخصی استفاده می‌کنم و یا توقعم از خودم کم است. مثلا وقتی که وارد کار شدم یک بخشی از حقوقم را ممکن است بخواهم بدهم به پرستار بچه، یا بخواهم کمک بگیرم از کسی. بنابراین این‌ها همه مفروض هست. این برنامه‌ریزی بر می‌گردد به بحث نظافت خانه، به کارهای بچه‌ها، به غذا پختن که به نظر من در هر کدام از اینها اگر دقت کافی بشود، خیلی از اوقات برای وقت هم صرفه جویی می‌شود. مثل این که ما چه جوری غذا درست کنیم، با یک لوازم محدود چندتا غذای متنوع درست کنیم برای امروز یا فردا. یا مثلا چه جوری خانه رو نظافت کنیم. خب این‌ها برای هر کسی ممکن است که به یک شیوه‌ای انجام بشود ولی به نظر من قابل برنامه‌ریزی هست. پس برای این سوال توجه به چند نکته خیلی مهم است، یکی اینکه انگیزه خیلی اهمیت دارد در راهی که انسان قدم می‌گذارد، یکی توجه به توانایی‌های فردی، یکی برنامه‌ریزی برای ابعاد مختلف زندگی، چه درسی و چه مربوط به خانه. این‌ها همه خیلی مهم‌اند.



ولی وقتی که خانواده مثلاً زن و مرد در این زمینه باهم هماهنگ نباشند و پیش فرض ذهنی یک مرد این باشد که خانم من باید همیشه چابک روشن باشد زیرش، باید غذایش همیشه آماده باشد، هیچ وقت نباید ما غذا، حضری بخوریم، همیشه باید سر ساعت سر وقت همه برنامه‌های خانه منظم و مرتب باشد، هیچ وقت برایش متصور نباشد که خانه مثلاً یک مواقعی نامرتب باشد و خانم فرصت نظافت آن را نداشته باشد، در این شرایط قطعاً به هر دو طرف سخت می‌گذرد. به جهت اینکه هم مرد برایش یک همچین تغییراتی غیرقابل انتظار است و هم زن احساس می‌کند که همسرش او را درک نمی‌کند و طبیعتاً خانه دچار تشنج می‌شود. ولی وقتی که این همراهی بین زن و مرد باشد و بچه‌ها هم بالطبع برایشان عادی باشد، در واقع همه همراهی می‌کنند و کمک می‌کنند به اینکه این قضیه به خوبی پیش برود. مثلاً شده که من به جهت همین شرایط، چند روز مثلاً مجبور شدم تنهایی به سفر بین شهری بروم. ممکن است که حالا مثلاً کنفرانس شرکت کنم. همین اواخر دخترم ۴ ماهش بود، به یک کنگره‌ای در قم دعوت شدم و شب یک روز به همراه همسر از صبح تا شب نبودیم و پسر و دخترم را تنها گذاشتیم و همسر برای کمک برای نگه داشتن بچه با من آمده بود. در عین اینکه من سپاسگزار و شکرگزار این قضیه هستم، اما جزو روال طبیعی خانواده ماست، به جهت اینکه ایشان همیشه همراه بودند و کمک کردند و من هم بالطبع سعی کردم در شرایطی که ایشان یک همچین سفرهایی دارند همراهشان باشم و به تعبیر قرآنی آن "حافظ للغيب" باشم، یعنی حفظ خانه و کیان خانه در غیب و نبود همسر. که زن‌ها هم باید یک همچین توانی را کسب کنند و داشته باشند که وقتی همسرانشان نیستند بتوانند خانه را مدیریت کنند.

● در مسیرتان به خاطر زن بودن با چه مشکلاتی مواجه شده‌اید؟

من راستش مشکل خاصی به ذهنم نمی‌آید که به خاطر خانم بودن با آن مواجه شده باشم، مگر همین گاهی اوقات کندی‌ها یا محدودیت‌هایی که به خاطر تولد فرزند به وجود آمد.

ولی در کل احساس می‌کنم که همسر همراه خیلی خیلی مهم هست و تاثیر دارد در این که زن با آسایش و آرامش بتواند به فعالیت علمی و غیر علمی و به علایق شخصی خودش بپردازد. ما در بحث‌های قرآنی هم داریم: «الرجال قوامون علی النساء». یعنی مردان ویژگی‌ای که دارند و باید پرورشش بدهند بحث قوامیت هست و قوامیت یکی از معانیست این هست که تکیه گاه شوی برای اینکه دیگران بتوانند به کمک تو بالا بروند. اینکه کمک کنی به شکوفایی استعداد های همسرت، اینکه زمینه را فراهم کنی برای اینکه نیازهای دیگران رفع بشود، زمینه را فراهم کنی برای اینکه یک زن بتواند استعدادهایش را شکوفا بکند. خوب اینها به معانی قوامیت هست، یک مرد وقتی قوام هست که نیازها و استعداد های واقعی همسرش را بشناسد و در جهت پرورش آنها در مسیر درست کمک بکند، مسئولیتهایی را در زندگی به عهده بگیرد و شرایط معیشت خوب را فراهم بکند برای اینکه این زن بتواند پرورش پیدا بکند و من فکر می‌کنم هر چقدر که زنان و مردان در جایگاه‌ها و نقش‌های خودشان به درستی جای بگیرند، این شکوفایی استعدادها چه در زن و چه در مرد امکان پذیر تر است.

● آیا فعالیت‌های تحصیلی، اجتماعی و شغلی‌تان در امور مربوط به خانه و خانواده محدودیت‌هایی ایجاد کرده است؟

ببینید به نظر من اگر خانواده، خانواده‌ی همراهی باشد و پذیرا باشد، اگر هم این فعالیت‌ها یک مواقعی محدودیت ایجاد بکند، کاملاً جزو روال طبیعی زندگی محسوب می‌شود و کسی احساس بدی را نخواهد داشت. یعنی وقتی مثلاً فردی بخاطر شرایط شغلی نیاز هست که به سفر برود چند روز، ممکن است که یک برنامه‌ای داشته باشد، همایشی، سمیناری، ویناری و تا دیر وقت طول بکشد. یا مثلاً وقتی هستش که باید برای سخنرانی و یا برای کاری آماده باشد و یک موقعی شب میشود و شام نتوانسته درست کند و تا دیروقت مجبور است بیدار بماند و یک تغییراتی به در برنامه‌ی زندگی داده می‌شود. اگر خانواده همراه باشند این جزو برنامه‌ی زندگی محسوب می‌شود و آسیبی را ایجاد نمی‌کند و جواب این سوال بله هست! قطعاً این محدودیت‌ها به وجود آمده اما همینکه خانواده پذیرفتند، این باعث شده که برای کسی دغدغه نشده باشد، برای کسی فشار یا استرسی نشده باشد و احساس طبیعی بودن باشد در فضای خانه.

و گرنه من بعد از ازدوایم در بحث علمیم خیلی سرعتم بیشتر شد و آن ظرفیت هایی که باید و شاید برایم بیشتر شکوفا شد و احساس می‌کنم در این زمینه همسرم خیلی نقش داشت و واقعا فکر می‌کنم من از طریق همسرم مصداق و مفهوم قوام را متوجه شدم. من وقتی که ازدواج کردم خب ۱۹ سالم بود، تا قبل از آن شاگرد دوم بودم در ورودیمون و از آن ترم به بعد دیگه شاگرد اول شدم و بعد به خاطر همین شاگرد اولی بدون کنکور توانستم درواقع وارد مقطع ارشد شوم. و بنابراین احساسم این است که همسرم خیلی مشوقم بود، خیلی همراهم بود و خیلی راحت می‌گرفت مسائل رو و هیچ سختی از طریق ایشان من حس نکردم مگر برای بحث تولد فرزندانم که به هر حال حداقل تا ۲ سال من به نوعی می‌تونم بگویم حرکت بسیار لاک پشتی داشتم.

و خب این طبیعی ست به هر حال نقش مادری است و وظایفی است که مادر دارد و من هم یکی از اهدافم در بحث روانشناسی کمک به مردم و اثر گذاشتن روی مردم بود و خب چه بهتر که من بتوانم این رو در بچه‌ی خودم تجربه کنم و این از شیرین‌ترین لذت‌ها و نعمت‌هایی است که یک انسان، یک زن دارد و همان بچه دار شدن و پروراندن بچه است که به نظر من با هیچ لذتی در این دنیا قابل مقایسه نیست. بنابراین اسمش را مشکل نمی‌گذارم که به خاطر خانم بودن است، به نظرم یک نعمتی است که در مسیرم به خاطر خانم بودن پیش آمده و این نعمت باعث شد که بخش دیگری از توان‌های من به عنوان یک زن شکوفا بشود و این را اسمش را مشکل نمی‌دانم و نعمت می‌دانم و از خداوند بابت این قضیه سپاسگزارم.



چهارمین آفتاب دختران بهشت طلوع کرد

تازه‌ها فرهنگی اجتماعی آفتاب
انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شهید بهشتی
تهران

کار حرف حساب
جایگاه های به سبوت
هزاره به به
باز
ناتن چه می شه ای بیگانه!
دختره های بیگانه ای بیگانه ها!

هولوی اینستاگرام، لولوی خانه

برای دیدن اینستاگرام به صفحه ما بروید

اینستاگرام: @AftabSBU

اینستاگرام: @AnjomanEslami_SBU

دعوا سر اولویت است!

پروسی عملکرد فراگسیون زنان در دوره ی دهم مجلس شورای اسلامی

دختران بهشت طلوع کرد

تازه‌ها فرهنگی اجتماعی آفتاب
انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شهید بهشتی
تهران

تازه‌ها فرهنگی اجتماعی آفتاب

انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شهید بهشتی
تهران

تازه‌ها فرهنگی اجتماعی آفتاب

انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شهید بهشتی
تهران

**برای دسترسی به شماره های پیشین
نشریه آفتاب به کانال های تلگرامی
انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه
شهید بهشتی، به آدرس های زیر
مراجعه کنید:**

@AftabSBU
@AnjomanEslami_SBU

تازه‌ها فرهنگی اجتماعی آفتاب

انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شهید بهشتی
تهران

تازه‌ها فرهنگی اجتماعی آفتاب

انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شهید بهشتی
تهران

تازه‌ها فرهنگی اجتماعی آفتاب

انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شهید بهشتی
تهران

دوازدهمین آفتاب دختران بهشت طلوع کرد

ویژه نامه روز ولادت حضرت زهرا (س)

آینه بر این شاره، آینه خورشید
مابین تویم
مادان غایت
روزهای تو نامزد
فاطمه فاطمه مجتهد
گردش تو در فراق حسرتیم
شکستن رخ حوش، شکستن ناخون!

گاهنامه فرهنگی اجتماعی آفتاب

دوازدهمین فاصله نوربان
چهارمین فاصله ریاضی
مقاله مسگر

آینه خورشید فر دست جوانان

آینه خورشید فر دست جوانان
آینه خورشید فر دست جوانان
آینه خورشید فر دست جوانان

آینه خورشید فر دست جوانان

آینه خورشید فر دست جوانان
آینه خورشید فر دست جوانان
آینه خورشید فر دست جوانان

آفتاب

کتاب تکثیر: @AnjomanEslami_SBU
صفحه اینستاگرام: @AnjomanEslami_SBU
کانال تلگرام: @AnjomanEslami_SBU

برای ورودی جان ها
تاریخ های انسان ساز
شبیخته
زن و بازی هویت حقیقی
رشد یا بلوغ!